نجات دختران از خانه‌های وحشت شدنی است

گزارش
حسین فصیحی

ماجرای خانه‌وحشت یا خانه مخوف این روزها با دستگیری مردی به نام سعید که دختران فراری را هدف نیت شوم خود قرار می‌داد، جنجال زیادی به پا کرده است. دختران فراری بخشی از آسیب‌های اجتماعی هستند که به دلیل بیماری یا قرار گرفتن در تنگاهای معیشتی به امید یافتن زندگی بهتر، خانه را ترک می‌کنند اما در معرض آسیب‌های بیشتری قرار می‌گیرند. بعضی از این دختران به دلیل طلاق والدین، برخی به دلیل اعتیاد والدین و برخی دیگر که عمدتاً گروه نوجوان را شامل می‌شود، به دلیل هیجانات ناشی از سن بلوغ دست به این رفتار پرخطر می‌زنند.

در مورد پرونده‌هایی مثل خانه وحشت رفتار قربانیان پرونده مورد تحقیق و درمان قرار نمی‌گیرند و خشونت به کار رفته در حادثه است که به سرعت منتشر و افکار عمومی را تحت تأثیر می‌دهد. زهرا و ساناز دو دختر ۲۱ ساله که مدت‌ها در این حادثه تحت شکنجه جسمی، جنسی و روحی قرار گرفته بودند با بحران‌های هولناکی دست و پنجه نرم کرده‌اند و در صورتی که از سوی نهادهای قانونی حمایت نشوند و تحت درمان قرار نگیرند و مجبور به بازگشت به خانه شوند، بعید است بتوانند به زندگی ادامه دهند. خانه وحشت برای این افراد در واقع همان جایی است که مجبور به زندگی در آن بودند و از سوی پدر و مادر خود تحت شکنجه روانی قرار گرفتند و بعد از فرار به سرنوشتی مخوف‌تر از قبل مبتلا شدند، بنابراین تا زمانی که این دسته از خانه‌های وحشت وجود دارد، مجرمانی مثل سعید درهای خانه‌های خود را به روی دختران فراری باز می‌کنند.

دسته‌ای دیگر از دختران، کسانی هستند که خانواده‌هایی آبرومند دارند اما به دلیل بیماری پنهان دست به رفتار پرخطر می‌زنند، مثل شیما، دختری که چندی قبل از خانه فرار کرد و به دام پیرمردی شیطان صفت به نام بهلول گرفتار شد. بهلول بعد از اینکه چند ماه شیما را در خانه‌اش حبس کرد، سرانجام او را به قتل رساند و جسدش را در باغچه خانه‌اش دفن کرد.

آرزو هم یکی از دخترانی است که تا یک قدمی مرگ رفته و خانواده‌اش را هم تا پرتگاه مرگ کشانده است. آرزو دختری ۱۳ ساله است و خانواده‌ای آبرومند دارد که در یکی از مراکز روانشناسی غرب تهران تحت درمان قرار گرفت و با کمک روانشناس توانسته به زندگی برگردد. او بعد از دوران بلوغ به دلیل هیجانات ناشی از سن بلوغ دست به رفتارهای پرخطر زد و تا یک قدمی رسوایی و مرگ پیش رفت. پدر آرزو در شرح رفتارهای پرخطر دخترش ماجرا را این طور شرح می‌دهد: وقتی دخترم به سن بلوغ رسید، دست به رفتارهای پرخطری می‌زد، البته این اتفاق به تدریج خودش را نشان داد. در خانه پرخاشگری می‌کرد یا لوازم خانه را می‌شکست. مشاور مدرسه و معلمان به تدریج از تغییر رفتار او آزرده شدند و بارها من و مادرش را به مدرسه دعوت کردند. خودشان می‌دانستند دختران در این سن و سال ممکن است دچار چنین هیجاناتی شوند، با این حال رفتار دختر ما وافت تحصیلی‌اش باعث نگرانی‌شان شده بود. خیلی روزها در لوازمش سیگار یا قرص پیدا می‌کردیم. مدتی بعد پنهان کاری نمی‌کرد و مقابل ما یا در کوچه و خیابان سیگار مصرف می‌کرد. بعد از آن آرزو تحت نظر یک روانشناس قرار گرفت. ما برای عمده تغییرات رفتاری با مشاور مشورت می‌کردیم اما آرزو به روانشناس که از اساتید دانشگاه علوم اجتماعی تهران بود، اعتماد نداشت، خودش صراحتاً به مشاورش می‌گفت که میلی به عمل کردن به توصیه‌های او ندارد. رفتارهای پرخطر دخترم همین طور ادامه داشت. مدام اصرار داشت بیرون از خانه قدم بزند. همسرم مدام او را تعقیب می‌کرد. در جریان بررسی گوشی تلفن همراهش متوجه شدیم با پسری نوجوان ارتباط دوستی برقرار کرده است. از اینجا به بعد موضوع برای ما با دشواری بیشتری همراه بود. آرزو سر هر موضوع پیش پاافتاده جنجال به پا می‌کرد و از خانه بیرون می‌زد. آبروی ما در محل رفته بود و همه همسایه‌ها متوجه رفتارهای دخترمان شده بودند. او با پوشش نامناسب در محل تردد می‌کرد، به طوری که هر رهگذری چه زن و چه مرد به او توجه می‌کرد. وضعیت من و همسرم در زندگی خیلی دشوار شده بود، به طوری که تحمل رفتارش را نداشتیم و مجبور شدیم محل زندگی‌مان را عوض کنیم. بیشتر شب و روز در کوچه و پارک به دنبالش می‌گشتیم. در بررسی گوشی تلفن همراهش متوجه شدیم قصد دارد با همان پسر از شهر فرار کند، بنابراین لوازمی مثل اوراق هویتی‌اش را پنهان کردیم. رفتار بعدی‌اش اقدام به خودکشی بود. چندبار به پشت بام ساختمان رفته و تهدید به خودکشی کرده بود. همان زمان با کمک روانشناس توانستیم او را از این کار منصرف کنیم. انصراف او از این کار به منزله درست شدن رفتارش نبود بلکه چندبار هم با خوردن قرص دست به خودکشی زد، به طوری که مجبور شدیم یک بار او را به بیمارستان لقمان منتقل کنیم. در بیمارستان با دختران زیادی مثل آرزو مواجه شدیم که با همین مشکل مواجه بودند. آرزو با کمک پزشکان از مرگ نجات پیدا کرد. آن زمان من و مادرش به مرگ فرزندمان راضی شده بودیم و از خدا می‌خواستیم او را از ما بگیرد تا از این رسوایی و سختی نجات پیدا کنیم. بعد از طی شدن درمان این بار به مشاور دیگری مراجعه کردیم. با راهنمایی او دخترمان را در یک مرکز دیگر پذیرش کردیم. آنجا بعد از انجام معاینات متوجه شدیم آرزو دچار بیش‌فعالی پنهان بوده و به دلیل هیجانات ناشی از سن بلوغ ناخواسته دست به این رفتار پرخطر زده است. آرزو با شیوه درمانی نوروفیدبک تحت درمان قرار گرفت و این روزها به او افتخار می‌کنیم.

اسرار تازه پرونده «خانه وحشت»

تحقیقات درباره پرونده معروف به خانه وحشت که ۱۵ آذرماه مأموران پلیس تهران هنگام کشف جسد دختر جوانی از آنجا دو دختر فراری را نیز نجات دادند، با شناسایی خانواده آنها و شناسایی هویت زن جوانی که مدتی در خانه او اسیر بود، وارد مرحله تازه‌ای شد.

به گزارش «جوان» ساعت ۱۶ روز دوشنبه ۱۵ آذرماه بود که مأموران کلانتری ۱۱۲ ابوسعید وارد خانه مرد خلافکاری به نام سعید شدند و جسد دختر جوانی را هم در کمد دیواری کشف کردند. مأموران همچنین دو دختر ۲۱ ساله به نام‌های ساناز و زهرا را که یکی داخل کمد دیواری و دیگری داخل اتاقی حبس بودند، نجات دادند.

بدین ترتیب تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی به دستور قاضی محمد وهابی وارد عمل شدند که دریافتند ساناز و زهرا هر دو دختران فراری بودند که در دام سعید گرفتار شده بودند. بررسی‌ها نشان داد سعید تحت عنوان سرهنگ نیروی انتظامی دختران فراری را فریب داده و به خانه‌اش کشانده و جسد کشف شده هم متعلق به دختری فراری بوده که سعید او را در یک درگیری به قتل رسانده است.

شناسایی خانواده دو دختر نجات‌یافته

در حالی که بررسی‌ها حکایت از آن داشت علاوه بر دو دختر نجات یافته پنج دختر و زن دیگر هم به دلایلی پای در خانه وحشت سعید گذاشته بودند، مأموران پلیس در تحقیقات موفق شدند اعضای خانواده ساناز و زهرا را شناسایی کنند. در بررسی پرونده افراد گمشده و گفته‌های دو دختر نجات‌یافته، مشخص شد زهرا سه سال قبل از خانه‌شان در تهرانپارس فرار کرده و در دام مرد تبهکار گرفتار شده و همان زمان هم خانواده وی اعلام مفقودی کرده‌اند. ساناز هم هشت ماه قبل از خانه‌شان در اسلامشهر راهی تهران می‌شود و حوالی میدان راه‌آهن فریب سعید را می‌خورد و اسیر او می‌شود. بدین ترتیب قرار است این دو خانواده به زودی با دخترانشان ملاقات حضوری داشته باشند.

مقتول مشهدی بود

در حالی که تحقیقات همچنان برای شناسایی مقتول که مدت زیادی از قتل او می‌گذرد ادامه دارد، ساناز و زهرا مدعی شدند مقتول لهجه مشهدی داشته و قبل از مرگش به آنها گفته بوده است خانواده‌اش در یکی از شهرهای اطراف مشهد زندگی می‌کنند و از آنجا فرار کرده است. با به دست آمدن این اطلاعات، بازپرس جنایی به کارآگاهان دستور داد پرونده افراد گمشده در استان خراسان‌رضوی بررسی شود و هویت مقتول را شناسایی کنند.

مأموران پلیس تهران در ادامه تحقیقات هویت زن جوانی را شناسایی کردند که مدتی در دام سعید گرفتار بوده است اما توسط شوهرش از اسارتگاه وی نجات پیدا می‌کند. این زن اهل شهرستان شاهرود بوده است که همراه فرزند خرسالش به تهران می‌آید و به دلیل اینکه مدرک هویتی همراه نداشته در دام سعید گرفتار می‌شود اما وی زمانی که راهی خانه سعید می‌شود موضوع را تلفنی به شوهرش اطلاع می‌دهد که همین موضوع باعث نجات او از اسارتگاه متهم می‌شود. قاضی محمد وهابی پس از شناسایی هویت زن جوان دستور تحقیق از وی را صادر کرد. در ادامه تحقیقات پلیس، دو دختر جوان گفته‌اند که به خاطر تهیه فیلم سیاه و سیاسی که سعید از آنها تهیه کرده است و تهدیدهای وی مجبور به ماندن در خانه وحشت بوده‌اند. مأموران پلیس در شاخه دیگری از بررسی قرار است سراغ زن میانسالی بروند که کارت ملی او در خانه سعید کشف شده است و از وی تحقیق کنند. تحقیقات جنایی درباره برملا شدن زوایای پنهان خانه وحشت سعید ادامه دارد.

اعتراف به قتل ناپدری در جشن تولد مادر

پسر نوجوانی که با همدستی دو نفر از دوستانش ناپدری‌اش را در جشن تولد مادرش به قتل رسانده بود، در جلسه محاکمه ماجرا را شرح داد و گفت به خاطر کینه‌ای که داشت مرتکب حادثه شده است.

به گزارش «جوان» ۲۲ بهمن ماه سال ۹۸، مأموران پلیس تهران جسد مرد میانسالی را داخل خودرویی در جاده شهریار کشف کردند که شواهد اولیه نشان می‌داد وی با ضربات چاقو کشته شده است.

جسد به دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل و بعد از تشخیص هویت مشخص شد متعلق به مردی ۴۷ ساله به نام بهروز است. به این ترتیب همسر بهروز مورد تحقیق قرار گرفت. او ابتدا مدعی شد از سرنوشت شوهرش اطلاعی ندارد تا اینکه در روند تحقیقات پسر ۱۶ ساله‌اش سهیل و دو نفر از دوستانش را عامل قتل معرفی کرد. او در شرح ماجرا گفت: «چند سال قبل با وجود داشتن یک دختر و پسر از شوهرم جدا شدم و با بهروز ازدواج کردم. شب تولدم بود و قرار بود همراه شوهرم و فرزندانم به باغی در شهریار برویم. وقتی وارد باغ شدیم، پسرم یکباره همراه دو نفر از دوستانش به شوهرم حمله کرد و او را با چاقو زد. من که از دیدن آن صحنه شوکه شده بودم شروع به داد و فریاد کردم که دیدم شوهرم سوار ماشینش شد و از باغ خارج شد. ساعتی بعد بود که فهمیدم جسدش را مأموران در جاده شهریار کشف کرده‌اند.» آن زن ادامه داد: «بعد از این حادثه پسرم و دوستانش فرار کردند و حالا از آنها اطلاعی ندارم.» بعد از این توضیحات، مأموران تلاش خود را برای یافتن متهمان آغاز کردند تا اینکه چند ماه بعد از حادثه سهیل شناسایی و بازداشت شد. او در روند بازجویی‌ها با اقرار به جرمش مدعی بود خودش به تنهایی مرتکب قتل شده است. با دستگیری دیگر متهمان از آنجا که همگی زیر ۱۸ سال سن داشتند، به کانون اصلاح و تربیت فرستاده شدند و پرونده نیز در اولین جلسه محاکمه در شعبه هفتم دادگاه کیفری یک استان تهران که ویژه اطفال است، رسیدگی شد. بعد از اعلام رسمیت جلسه، اولیای دم درخواست قصاص کردند.

در ادامه سهیل که دو سابقه سرقت در سنین ۱۳ و ۱۴ سالگی در پرونده‌اش داشت، مقابل هیئت قضایی قرار گرفت. او با اقرار به قتل در شرح ماجرا گفت: «پدر و مادرم هر دو معتاد بودند تا اینکه تصمیم گرفتند به خاطر من و خواهرم مواد مخدر را کنار بگذارند و آن را ترک کنند، به همین خاطر مادرم به خانه یکی از اقوام رفت و پدرم هم جای دیگری بستری شد. هر از گاهی به آنها سر می‌زدم که در آن رفت و آمدها به رفتارهای مادرم مشکوک شدم و آخرین بار که تلفن همراهش را بررسی کردم، فهمیدم با مردی غریبه رابطه دارد. آن مرد بهروز بود. وقتی در این باره با پدرم صحبت کردم او فکر کرد دروغ می‌گویم، به همین خاطر مرا به شدت کتک زد. پدرم حرفم را باور نکرد و پیگیر موضوع نشد ولی همین بهانه‌ای شد که مادرم از پدرم جدا شود.»

متهم ادامه داد: «بعد از طلاق آنها من و خواهرم همراه پدرم به بندرعباس رفتیم و آنجا زندگی می‌کردیم که متوجه شدیم مادرم با بهروز ازدواج کرده است. مدتی گذشت و تصمیم گرفتم به دیدن مادرم بروم اما بهروز اجازه نمی‌داد. همین باعث کینه شد تا شب حادثه.»

او در خصوص قتل گفت: «چند روز قبل از حادثه به تهران آمدم و سراغ دو نفر از دوستانم رفتم. به آنها گفتم قصد دارم ناپدری‌ام را تنبیه کنم. آنها قبول کردند مرا کمک کنند. این شد که به بهانه جشن تولد مادرم آنها را به باغی در شهریار دعوت کردم، سپس با دوستانم تماس گرفتم و خواستم خودشان را به آنجا برسانند. دوستانم قبل از آمدن ناپدری‌ام وارد باغ شدند، سپس بعد از ورود آنها با چاقویی که در آستینم پنهان کرده بودم، ناپدری‌ام را غافلگیر کردم و یک ضربه به گردن او زدم. بهروز می‌خواست فرار کند که یکی از دوستانم سد راهش شد، سپس سه نفری چند ضربه چاقو به او زدیم. بهروز به شدت ترسیده بود، به همین دلیل سوار ماشینش شد و از باغ بیرون رفت. ساعتی بعد بود که فهمیدم او فوت کرده است.»

در ادامه دوستان متهم یک به یک در جایگاه ایستادند و از خودشان دفاع کردند اما مدعی شدند به مقتول ضربه‌ای نزده‌اند. در ادامه متهمان به سؤالات هیئت قضایی پاسخ دادند.

قاضی: وقتی متوجه درگیری شدید و فهمیدید متهم قصد کشتن ناپدری‌اش را دارد، چرا او را منصرف نکردید؟

متهمان: ما شوکه شده بودیم و نمی‌توانستیم کاری انجام دهیم.

قاضی: در اظهارات قبلی گفته بودید با مقتول درگیر شده بودید. علت اظهارات ضد و نقیض چیست؟

[سکوت متهمان].

در پایان هیئت قضایی جهت صدور رأی وارد شور شد.

اسیدپاشی روی همسر قبلی پس از حبس خانگی

مرد جوان وقتی همسر قبلی‌اش برای دیدن فرزندانش به خانه او رفت وی را حبس کرد و به رویش مایع اسیدی پاشید.

به گزارش «جوان» چندی قبل مردی در تهران به اداره پلیس رفت و از داماد سابقش به اتهام اسیدپاشی به روی دخترش شکایت کرد.

وی گفت: دخترم دو فرزند خردسال داشت که به خاطر اختلافاتی از شوهرش جدا شد. چند روز قبل او برای دیدن فرزندانش به خانه شوهر قبلی‌اش رفته بود که داماد سابقم او را در خانه حبس می‌کند و بعد روی او مایع اسیدی می‌پاشد. پس از این حادثه حال دخترم بد می‌شود که او را به بیمارستان منتقل می‌کند اما تهدید می‌کند که اگر موضوع را به پلیس خبر دهد اتفاق تلخی برایش رخ می‌دهد تا اینکه من متوجه شدم و تصمیم گرفتم از او شکایت کنم.

با شکایت مرد میانسال مأموران به دستور قاضی عظیم سهرابی متهم را بازداشت و از بازجویی کردند.

وی در بازجویی‌ها گفت: با همسرم اختلاف داشتم که از من جدا شد و همین موضوع باعث شد از او کینه به دل بگیرم تا اینکه روز حادثه وقتی برای دیدن فرزندانش به خانه‌ام آمد به روی او مایع اسیدی پاشیدم. تحقیقات از متهم ادامه دارد.

آگهی مزایده (نوبت دوم)

شهرداری صفادشت در نظر دارد به استناد بند ۴ مصوبه نشست شماره ۱۱ شورای محترم اسلامی شهر صفا دشت نسبت به فروش تنه و ضایعات ذغالی انواع درختان موجود در اماکن و معابر شهر از طریق مزایده اقدام نماید. لذا متقاضیان جهت دریافت اسناد مزایده و کسب اطلاعات بیشتر به واحد امور قراردادها مراجعه نمایند. ضمنا در صورت نیاز جهت کسب اطلاعات بیشتر متقاضیان میتوانند با شماره تلفن ۶۵۲۹۶۴۵۰-۰۲۱ امور قراردادها تماس حاصل نمایند.

آخرین مهلت تحویل مدارک ۱۴۰۰/۱۰/۰۱

تاریخ چاپ نوبت اول: ۱۴۰۰/۰۹/۱۳ - تاریخ چاپ نوبت دوم: ۱۴۰۰/۰۹/۲۰

محمد علی کریمی - شهردار صفا دشت

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای آرا صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبت اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض اقای/خانم ۱-محمود مجنی پور به شماره شناسنامه ۲۹ و به شماره ملی ۲۱۲۲۱۸۵۹۹۶ صادره از گرگان فرزند قاسم متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۰۰۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۰۲۲۱ در ۲,۵ دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین که در ان احداث بنا شده است. ۲-اعظم سیاه بالائی به شماره شناسنامه ۲۷۵۰ و به شماره ملی ۲۱۲۱۵۸۴۴۷۱ صادره از گرگان فرزند خداداد متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۰۰۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۰۲۲۰ در ۱,۵ دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین که در ان احداث بنا شده است. ۳-الهه احمدی به شماره شناسنامه ۳۱۳۱ و به شماره ملی ۲۱۲۱۶۸۸۳۱۵ صادره از گرگان فرزند محمد متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۰۰۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۰۳۹۸ در ۲ دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین که در ان احداث بنا شده است به مساحت ۲۶۳ مترمربع از پلاک ۳-اصلی واقع در اراضی اوزینه بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز اگهی میشود. از این رو اشخاصی که نسبت به رای صادره فوق الذکر اعتراض داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین اگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارائه نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۹/۲۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰/۱۰/۶

حجت الله تجری

رییس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان

از طرف محمد امین صافی

امور مشترکین و توزیع روزنامه جوان

۸۸۴۹۸۴۷۶

مفقودی

سند کمپانی خودروی سواری پژو مدل ۱۳۹۹ به رنگ خاکستری به شماره شاسی NAAM31FE9LK602088 و به شماره موتور 139B0169801 و به شماره انتظامی ۲۵ ایران ۲۱۲ س ۸۵ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است تبریز

مدرک دانشگاهی (گواهینامه موقت) اینجانب یوسف شیری فرزند رحمن به شماره شناسنامه ۱۷۲۰۰۷۴۳۷۲ صادره از شبستر در رشته ساختمان- کارهای عمومی ساختمان در مقطع کاردانی پیوسته صادره از واحد دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر به شماره تاییدیه (۲۱۷(۱۱۷۳۴۱۴ به تاریخ ۱۷/۰۵/۹۱ در مورخ ۱/۱/۱۴۰۰ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است لذا از یابنده تقاضا می شود آنرا به آدرس- آذربایجان شرقی- شهرستان شبستر- بلوار شهرداری - جنب پارک آزادگان- مجتمع دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر- اداره امور فارغ التحصیلان به کد پستی ۱۵۹-۵۳۸۱۵ و به شماره تلفن ۰۴۷۱۲۲۲۱۳۴۰ ارسال یا تحویل فرماید.

اداره کل ثبت اسناد و املاک خراسان رضوی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۰۶۰۳۰۶۲۷۱۰۰۲۵۱۶ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی ،مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد منطقه پنج تصرفات مالکانه بلامعارض آقای میرحامد زنوزی فرزند حسن ششدانگ یک قطعه باغ و استخر به مساحت ۱۳۴۳۳ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۱۹ اصلی بخش ۹ واقع در روستای رضوان به نام خود متقاضی (سهم مشاع خودش) محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود.درصورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند ،می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم وپس از اخذ رسید ، ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۹/۲۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰/۱۰/۵

بشیر پاشایی -رییس ثبت اسناد واملاک ناحیه پنج مشهد- م الف ۳۲۸

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی حوزه شهرستان ساری منطقه یک

برابر رأی شماره ۱۴۰۰۶۰۳۱۰۰۰۱۰۰۳۴۲۶ مورخ ۱۴۰۰/۰۸/۱۷ که در هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه یک ساری تصرفات مالکانه آقا/ خانم سیده سکینه هاشمی شیانه فرزند سید فضل اله نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مشمل بر انباری به مساحت ۱۹۰.۷۰ مترمربع قسمتی از پلاک ۳۴۲۲ اصلی واقع در بخش یک ثبت ساری خریداری از مالک رسمی محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.کلاسه ۱۸۰۷-۹۹

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۰/۰۹/۲۰ نوبت دوم ۱۴۰۰/۱۰/۰۴

مهدی داودی-

شناسه آگهی: ۱۲۳۵۴۳۲ رییس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ساری

تجدید مناقصه

نوبت اول

جمعیت هلال احمر

تکمیل ساختمان اداری، امدادی و درمانی هلال احمر نوشهر

جمعیت هلال احمر استان مازندران در نظر دارد مناقصه تکمیل ساختمان اداری، امدادی و درمانی هلال احمر نوشهر به شماره فراخوان ۲۰۰۰۰۰۵۳۷۰۰۰۰۰۰۸ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید . کلیه مراحل ارزیابی از دریافت اسناد تا ارائه مدارک از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است متقاضیان امر در صورت عدم عضویت قبلی ، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در ارزیابی محقق سازند .تاریخ انتشار اسناد در سامانه ۱۴۰۰/۰۹/۲۰می باشد.

پروژه	ریز پروژه	متراژ	حدود برآورد هزینه اجرای کار (براساس فهرست بهای ۱۴۰۰)	محل اجرا
ساختمان اداری،امدادی و درمانی نوشهر	تکمیل ساختمان اداری،امدادی و درمانی نوشهر	۱۰۶۳ مترمربع	۲۳,۱۷۳,۵۸۶,۴۰۶ ریال	نوشهر

هزینه خرید اسناد و شماره حساب مربوطه: ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال که باید از سوی شرکت کنندگان با کد شناسه ۳۰۰۰۸۸۰۱۸۱۴۸ به حساب شماره ۳۳۳۴۴۴۸۷۸۷ نزد بانک ملت به نام جمعیت هلال احمر واریز گردد.

مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت: از ساعت ۱۴ روز شنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۹/۲۰ لغایت ساعت ۱۴ روز پنج شنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۹/۲۵خواهد بود.

مهلت زمانی بارگذاری اسناد در سایت: تا ساعت ۱۴ روز سه شنبه تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۰۷

مهلت زمانی تحویل اصل پاکت الف به دستگاه مناقصه گزار: ساعت ۱۲ روز چهارشنبه تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۰۸

زمان بازگشایی پاکات:ساعت ۱۰ صبح روز پنج شنبه تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۰۹

مبلغ سپرده تضمین شرکت در مناقصه: ۱.۱۵۸.۶۷۹.۳۲۰ ریال

اعتبار پروژه در قالب اوراق خزانه اسلامی با سررسید ۱۴۰۳/۰۸/۲۱ و ۱۴۰۳/۰۸/۱۹ می باشد.

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار:

آدرس: ساری-بلوار امام رضا(ع) ساختمان جمعیت هلال احمر استان مازندران و تلفن ۳۳۲۸۳۰۴۵-۰۱۱ داخلی ۲۵۷

اطلاعات تماس سامانه جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس ۴۱۹۳۴-۰۲۱

دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸

تاریخ چاپ اول: ۱۴۰۰/۰۹/۲۰